

تبیین مبانی فقهی و حقوقی کنشگران سوت زن؛ مقایسه تطبیقی با حقوق کشور ایسلند

روح الله آهنگران^۱ / رضا دانش نیا^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

چکیده

ازجمله راهکارهای جلوگیری از فساد در سازمان و اقدام پیشگیرانه مفاسد اداری، سوت زنی است؛ اما کنشگران سوت زن همواره با فشارها و تهدیدهایی مواجه هستند و حمایت های سازمانی و قانونی از آنان، ضروری است. هدف ما در این مقاله بررسی و تبیین مبانی فقهی و حقوقی کنشگران سوت زن با مقایسه ای بر حقوق کشور ایسلند می باشد. روش تحقیق این مقاله تحلیلی- توصیفی است. نتایج نشان داد علاوه بر اینکه افشاگری به شکل کنشگری سوت زن وظیفه ای ضروری و همگانی می باشد؛ حتی براساس مبانی فقهی ایجابی همچون قواعد امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت، احترام مال مردم و مبانی سلبی مانند قاعده حرمت اشاعه فحشا از منظر فقهی و با انطباق با حقوق موضوعه ایران، می تواند ضمن مشروعیت بخشی به این کار، نقش تنظیم گرایانه ای در زمینه رفتارکنشگری سوت زنان داشته باشد. با وجود همه ضرورت های بیان شده در اصل کنشگری و حمایت از آنان، روش این کنشگری به ویژه در مقوله حرمت هتک مومن و مسائل مرتبط با فسادهای اقتصادی و مالی که جنبه عمومی و کلان برایش متصور است، بی حد و مرز نیست و لازم است اصول آن نیز مراعات شود در غیر این صورت ممکن است کنشگر، ضمن آلوده شدن به گناه، مفاسد بزرگتری همچون اختلال در نظام و پایمال کردن مصلحت مهم تر را به وجود آورد. همچنین مطابق قوانین کشور ایسلند، کنشگران در مرحله نخست باید در درون سازمان افشاگری نموده و سپس با شرایطی همچون عدم نتیجه و منفعت عمومی و براساس اصل حسن نیت می تواند افشاگری خارجی در مدل برون سازمانی از طریق رسانه های جمعی و فضای مجازی را آغاز نمایند.

واژگان کلیدی: کنشگران، افشاگری، کشف فساد، نظارت عمومی، ایسلند.

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. (نویسنده مسئول)

r.ahangaran@chmail.ir

^۲ وکیل پایه یک دادگستری، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی.

daneshnia1400@chmail.ir



مقدمه

افشاگری از موضوعاتی است که در دهه ۱۹۸۰ توسط محققانی همچون میسلی و نیر^۱، سیمز و کینان^۲ مطرح و به عنوان نوعی گزارش دهی توسط اعضای قبلی و یا فعلی سازمان تعریف نمودند که از فعالیت‌های غیرقانونی، غیراخلاقی و نامشروع صورت گرفته و به افراد یا سازمانهایی منتقل میشود که توانایی تأثیر بر آن فعالیتها و یا کنترل آن را داشته باشند. (Miceli & Near, 2008: 266) عمل سوت زنی برگرفته از رفتار افسران پلیس انگلستان است که وقتی متوجه وقوع جرم و عمل خلافی در سطح شهر می شدند، بلافاصله در سوت خود می دمیدند و عموم مردم و سایر افسران پلیس را از محل جرم با خبر می ساختند. (Hill Dictionary, 2002) سوت زدن عمومی ترین شکل ممکن از فراخوان عمومی و مطلع ساختن افراد از وقوع انجام عمل خلاف می باشد و هدف یک سوت زن جلوگیری از آسیب رسیدن بیش از حد به سازمان و جامعه می باشد. در کل می توان اینطور بیان کرد که سوت زنی تلاشی است که یک کارمند سازمان یا عضو سابق سازمان برای فاش کردن عمل خطا و خلافی که در حال انجام توسط مدیران یا کارمندان سازمان می باشد. از اساسی ترین مطالبه مردم از حاکمیت، مبارزه با ناهنجاری و فساد است. به همین جهت اقدامات پیشگیرانه و یافتن فساد درون سازمانی و تخلفات مرتبط با نظام اداری و مالی، از ضرورت های غیرقابل کتمان است. در چشم انداز راهبردی مدیریتی و سیاست گذاری ها، مبتنی بر نظارت درون سازمانی است بدین صورت که با معاضدت نیروهای بازرسی و حراستی بتوانند اقدام پیشگیرانه در زمینه تخلف و فساد بعمل آورند اما عدم امکان حضور بازرسان در همه شرایطی که نیاز به نظارت دارد، این روش را بی اثر کرده است. در سایر سیستم های حقوقی، از جمله نظام حقوقی کشورهای حوزه اسکاندیناوی مانند ایسلند، ادبیاتی به نام "سوت زدن" وجود دارد که ناظران عمومی بعنوان کنشگران سوت زن، صداهای منحرف را می شنوند و در ازای آن پاداش می گیرند. بنابراین موضوع سوت زدن به یکی از اصلی ترین استراتژی های قانون گذاری و سیاست گذاری تبدیل شده است.

اغلب تخلفات سازمانی و اداری که می تواند پدید آید بیشتر از مواردی همچون کج روی مالی و حسابداری، دزدی، اختلاس، پولشویی، تبعیض و رانت، منافع متضاد با منافع سازمانی، خراب کاری های خارج از سازمان و نظام اداری، تجاوز به حقوق افراد، ارائه داده های ناصحیح و بعضاً متناقض، سوءاستفاده از جایگاه شغلی و روابط غیر ایمن و عدم رعایت اصول بهداشتی و حرفه ای می توان نام برد. (Chevarría & Silvestre, 2013, p. 19).

¹ Miceli & Near

² Semis & kinan



عمل کنشگران سوت زن در مبانی فقهی نیز قابل تأمل است. براساس مبانی ایجابی همچون امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت و احترام مال مردم می تواند ضرورت نظارت مردمی و مشروعیت بخشی به رفتار کنشگران سوت زن منتهی گردد و با استناد به مبانی سلبی مانند حرمت اشاعه فحشا؛ نه تنها مانعی برای فعالیت این کنشگران می باشد بلکه می تواند رفتار آنان را در چارچوب بایسته های فقهی تنظیم کرده و اثر بخشی آن را در نظام اسلامی بیش از پیش نمایان سازد.

روش استنتاج در این مقاله تحلیلی - توصیفی است و در این نوشتار ضمن مفهوم شناسی سوت زنی و ضرورت وجودی آن برای جامعه اسلامی به این پرسش اساسی پاسخ خواهیم داد که کدام مبانی فقهی جهت مشروعیت بخشی و تنظیم رفتار کنشگران سوت زن بوده و شرایط کنشگران براساس این مبانی چگونه است و با تطبیق بر حقوق موضوعه کشور ایران و ایسلند راه حل نهایی برای حمایت از آنان چیست؟

۱- معناشناسی سوت زنی

سوت زنی یعنی تلاش و کوششی که به سبب یکی از کارمندان سازمان و نهادی صورت می گیرد که او در اثر تلاشش به اطلاعاتی دست یافته است که باورمند است در مجموعه کاری خود نقض قانون و دستور و یا مقرراتی پدید آمده یا آنکه سوءاستفاده از قدرت و هدررفت بودجه رخ داده و یا آنکه سوء مدیریت قبیح و ناکارآمدی واقع شده که زیان به امنیت عمومی و سلامتی کاری افراد جامعه می زند. (Zakaria, 2015: 230)

مطابق این تعریف، "سوت زن" در اصطلاح به کسی اطلاق میشود که در درون یک سازمان کار میکند و خلافاکاریهای آن را افشا می کند. (Near & Miceli, 1985: 2)

این تخلفات میتواند شامل انواع رفتارهای غیرقانونی و غیر اخلاقی مدیران و کارکنان یک سازمان؛ از قبیل تقلب، رانت، رشوه، احتکار، تولید محصول غیر ایمن و نقض قوانین یا مقررات باشد. سوت زدن را میتوان نوعی فراخوان عمومی برای مطلع کردن افراد از محل وقوع جرم تلقی کرد و هدف سوت زن نیز جلوگیری از آسیب رساندن بیش از پیش به افراد جامعه، سازمان ها و نهادهای عمومی است. همچنین سوت زن فردی است که هر نوع فعالیتی غیرقانونی و غیراخلاقی در یک سازمان خصوصی یا عمومی را افشا می کند. موضوعاتی همچون تخطی از سیاست های رسمی، تخطی از قانون، مقررات، تهدید منافع عمومی، امنیت ملی و همچنین تقلب و فساد از تخلفاتی است که سوت زن ها می توانند آن را افشا کنند. (Louw, 2002: 121; Near & Miceli, 1985: 6)



این اصطلاح نخستین بار در جریان افشاگری اوتو اوتوپکا^۱ در سال ۱۹۶۳ میلادی مشتهر شد که در آن وقت، پرونده های طبقه بندی شده را به کمیته فرعی امنیت داخلی سنای ایالات متحده ارائه کرده بود. (Petersen & Farrell, 1986:2)

۱-۱- اهمیت سوت زنی و حمایت از کنشگران آن

فساد و سایر اشکال تخلف، مدیریت عمومی و بودجه های دولتی را مخدوش می کند و منجر به ارائه ناکارآمد خدمات عمومی، کاهش سرمایه گذاری عمومی، کاهش کار شایسته و کاهش رشد اقتصادی و در نهایت تقلیل اعتماد عمومی به دولت ها و نظام های اداری می شود. لذا اهمیت استفاده از ظرفیت کنشگران سوت زن در سازمان و جامعه به دلیل آثار مفید و مؤثر آن، هر سازمانی را به استفاده از این ظرفیت برای مبارزه با فساد ترغیب خواهد کرد. به همین سبب بایستگی و ضرورت استفاده از ظرفیت جلب مشارکت عمومی برای ارتقای سازوکار فعلی مقابله با فساد اداری دارای اولویت می باشد. (Clark, 2023) این اهمیت شناسی علاوه بر جنبه عقلانی و نگهداشت سرمایه اجتماعی ضروری است بلکه مطابق مبانی دینی و فقهی نیز بعنوان یک الگوی نظام سازی نوین اسلامی اهمیت مضاعف و ویژه ای پیدا خواهد کرد. ضروری است که گزارش های مردمی و کنشگری سوت زنی برای مبارزه با فساد، شناسایی زمینه ها و بسترهای فسادساز در کشور و ضرورت مبارزه همه جانبه با این پدیده مذموم اراده همگانی باشد. حمایت های قانونی از سوت زنی و قوانین مربوطه در کشورهای مختلف متفاوت است و بستگی به نوع ساختارهای مدیریتی و حکومتی این کشورها، نوع موارد مختلف و درجه اهمیت آنها و اینکه کجا و در چه زمانی اسرار فاش و منتشر گردیده و در اطلاع عموم قرار گرفته، دارد. (Chalouat & Crespo, 2019: 9) برای این که مردم تشویق شوند تا فساد را گزارش کنند، دو بال حمایتی نیاز است؛ یکی حفاظت حقوقی از فاش کننده فساد و دیگری پاداش مالی برای «سوت زن». معمولاً در بخشنامه ها و دستورالعمل هایی که بسیاری از ادارات و نهادها برای حمایت از سوت زن ها تاکنون ابلاغ کرده اند، حفاظت حقوقی از سوت زن ها دیده شده مثل بحث های حمایتی افشا نشدن هویت شخص گزارش دهنده، جلوگیری از اخراج، تنزل رتبه، انتقال اجباری، تعلیق و... اما در بحث پاداش مالی هنوز حمایت صحیح و اصولی صورت نگرفته است. هرچند اخیراً بر اساس طرح حمایت مالی از افشاگران فساد، چنانچه گزارشگر برای گزارشگری مرتکب جرم شده باشد از جمله آنکه اطلاعات، ادله و مدارک را با توسل به اعمال مجرمانه به دست آورده باشد، مشمول حمایت ها و پاداش این

¹ Otto Otopeka



قانون نمی‌شود. هدف اصلی کنشگران سوت زن صرفاً برای دریافت پاداش نیست بلکه به دنبال اطلاع دادن و پاکسازی تخلفات هستند. در سیاست‌های کلی معاصر، دولت‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ خدماتی، اقتصادی و اجتماعی دریافتند که شکاف‌های هنجاری در حفاظت از افشاگران وجود دارد و گفتگوی اجتماعی برای طراحی مسیری به سوی چارچوب هنجاری جهانی یک امر کلیدی است.

۱-۲- اقسام سوت زنی، فرایند و ابزارهای اعلان کشف فساد

گوناهگونی کنشگران سوت زن اقسامی برای آنان متصور است و از این حیث که توسط چه فرد یا گروهی انجام می‌شود، انواع مختلفی دارد که مهمترین و شایعترین آنان می‌توان به سوت زنی داخلی و فردی و سوت زنی غیر فردی و خارجی اشاره داشت (Read & Rama, 2003) که در سوت زنی داخلی یا فردی بدین صورت است که این کنشگری توسط فردی از داخل سازمان و بر علیه خود سازمان انجام گیرد. (Stephen & Kyle, 2018: 1) در سوت زنی غیر فردی (شخصی) و خارجی به نحوی است که کنشگر در انجام عمل سوت زنی توسط یک شخصیت حقوقی (سازمان یا شرکت) بر علیه سازمان دیگر صورت می‌گیرد. بنابراین گزارش دهی کنشگران سوت گوناگون بوده شامل شهروندان، روزنامه نگاران، خبرنگاران و گزارش رسانه و کارمندان آن سازمان باشند. (Binikos, 2017: 48) فرایند کنشگران سوت زن از ابتدای کشف فساد تا گزارش آن دارای مراحل مختلفی است. در مرحله نخست پدید آمدن رخداد و پیشامدی است که نامشروع، غیرقانونی یا غیراخلاقی بوده و منتهی به مرحله دوم یعنی تصمیم‌گیری کنشگر در چگونگی گزارش می‌شود. مرحله سوم برای کنشگر اقدام به سوت زنی و یا اعتراض و ترک محل خدمت و یا رویارویی و مواجهه با متخلف است که می‌تواند منتهی به بازتاب و عکس‌العمل از سوی اعضای آن سازمان و اداره شود یا واکنشی از سوی احزاب خارجی و ذی‌نفعان خارج از آن سازمان رقم بخورد که در این لحظه وارد مرحله چهارم شده و در آخرین مرحله، ارزیابی گزارش شکل می‌گیرد که یا نتایج آن مورد قبول کنشگر و جامعه‌ای باشد که حامی اوست یا رضایت بخشی حاصل نگردد و مجدد این فرایند تکرار شود. (Hamilton, 2002) قابل ذکر است که دریافت کنندگان گزارش نیز بایستی چگونگی تهیه و دریافت گزارش‌های را مشخص کرده و در مرحله ارزیابی گزارش تخلفات علاوه بر مرتبط بودن داده‌های تخلف به سازمان مربوطه، اولویت بندی کنند و در زمان رسیدگی به گزارش فساد، آمادگی تحقیق و تفحص بی‌طرفانه و به موقع داشته باشند و در پایان تحقیقات، سازوکاری مناسب جهت خاتمه تحقیق و تفحص و تصمیم بر پایان رسیدگی و اقدامات حفاظتی اتخاذ کنند.



ابزارهای اعلان کنشگران سوت زن می توان به دو نوع ابزار سنتی و مدرن تقسیم کرد که در گذشته از رسانه‌هایی چون نشریات، تلفن، تلویزیون و رادیو جهت اعلان فساد استفاده می شد که طیف محدودی از مخاطب را در بر می گرفت و به نوعی ابزار سنتی قلمداد می گردید. اما امروزه با ابزارهای مدرن مبتنی بر وب و اینترنت و فراگیری فضای مجازی و شبکه های اجتماعی و حتی ابداع فناوری دیجیتال مانند بلاکچین می تواند ابزارهایی برای کشف فساد و اعلان آن به حساب آورده شود. چراکه فناوری بلاکچین طیف وسیعی از خصوصیات ارزشمند را ارائه می دهد که مهم ترین آنها به ذخیره و ایجاد پایگاه داده های آشکار و دایمی و نگهداری سوابق مربوط می شود و وجود چنین قابلیت هایی می تواند به مقابله با جرایم سازمان یافته و فساد دولتی کمک شایان کرده و نقش منحصربه فردی در جلوگیری از فساد دولتی داشته باشد. (Huang&Zhao,2021) هرچند این فناوری نمی تواند به تنهایی از وقوع جرم جلوگیری کند و باید با چارچوب ها و ساختارهای مناسب و موثر قانونی همراه شود. همچنین در موضوع فساد نقش رسانه بی بدیل است. کسانی که در اختلاس و فساد اقتصادی تبحر دارند، به تمام راه های تطمیع و تهدید تسلط کافی دارند و با پول و ارتباط، تمامی موانع را از سر راه برمی دارند. طبق ماده ۲ قانون مطبوعات، یکی از رسالت های رسانه امر به معروف و نهی از منکر است که یکی از مهم ترین ابزار این کار، رسانه ها هستند. بنابراین رسانه می تواند از این ظرفیت برای مبارزه با فساد استفاده کند. در حقیقت رسانه ها می توانند به عنوان یک ابزار قدرتمند در مبارزه با فساد در جهت دهی افکار عمومی مکمل اقدامات قوه قضاییه و مقننه باشند. در قانون آمده است تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است رسانه ها حق انتشار آن را ندارند. حتی در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی هم انتشار مشخصات را برای یک سری از مفسدان اقتصادی پیش بینی و اشاره کرده است که برخی از تخلفات مثل ارتشاء، تبانی در معاملات دولتی، قاچاق کالا و ارز و... اگر از یک رقمی بیشتر باشد رسانه ها پس از حکم محکومیت قطعی صادر شده ملزم به انتشار آن هستند. مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت موظف به مبارزه با فساد شده است یا در اصل ۲۴ قانون اساسی که مطبوعات را در بیان مطالبشان آزاد هستند مگر مخل به مبانی اسلام باشند. لذا با امعان نظر به این اصل، نشریات می توانند با لحاظ موازین و مقررات قانونی اخبار مرتبط با فساد را منتشر کنند. اگرچه این کارکرد سوت زنی رسانه ها در دو وجه واقعی و مجازی جامعه کاربرد دارد ولی به هر تقدیر در حال حاضر کارکرد سوت زنی رسانه ها در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی از نقش و اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده است. نقش و اهمیت این امر در کشورهای فاقد قوانین و مقررات حمایت و تشویق کاشفان و گزارش کنندگان فساد موسوم به "قوانین و مقررات سوت زنی" بیشتر است چراکه در کشورهای دارای قوانین و مقررات سوت زنی افرادی که فساد را کشف و گزارش می کنند تحت حمایت حاکمیت و دولت هستند و نه تنها



باند‌های فساد و مدیران مفسد و متخلف نمی‌توانند به آنها آسیبی برسانند و یا مانع فعالیت و پیشرفت آنها شوند بلکه افراد سوت زن مورد تشویق مالی قرار می‌گیرند و از آنها حمایت و صیانت می‌شود.

۲- مبانی فقهی کنشگران سوت زن

مبانی فقهی کنشگران سوت زن در دو رویکرد مبنایی ایجابی و سلبی قابل بررسی است و با جمع این مبانی و تنقیح آن، منتج به نظریه و استنباط فقهی و با انطباق با حقوق موضوعه ایران در این زمینه خواهد شد.

۲-۱- مبانی ایجابی سوت زنی

۲-۱-۱- قاعده امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ادله‌های مهم در ایجاب کنشگری در مسأله سوت زنی، قاعده امر به معروف و نهی از منکر است. این قاعده از ضروریات دین مبین اسلام و از فرائض قطعی محسوب می‌گردد (آل عمران، ۱۱۰ و توبه، ۷۱) و در روایات تأکید و سفارشات بسیاری برای این فریضه گردیده (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۶) و مورد اتفاق شیعیان و اهل سنت بوده اما در وجوب عینی یا کفایی بودن این فریضه اختلاف وجود دارد. (جمعی از پژوهشگران شاهرودی، ۱۴۲۶: ۶۶۰) قلمروی اجرای آن در مباحث فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حکمرانی نیز جاری است. در مفهوم کلی امر به معروف و نهی از منکر عبارت است: تلاش بر اثرگذاری بر افراد و دیگران به گونه‌ای که آنان را از انجام کار واجب و پسندیده و ادا سازد و یا از کار حرام و ناپسند باز دارد. (عاملی، ۱۴۱۰: ۴۰۹/۲) بنابراین معروف به آن دسته از کارهای شایسته عقلی یا شرعی و قانونی می‌گویند و منکر به آن دسته کارهای خلاف معروف منتهی گردد را بیان می‌دارند. (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۲۷) مراتب امر به معروف در دیدگاه مشهور فقها شامل مرتبه قلبی، زبانی و قدرت (رفتاری) برشمارده اند که در مرتبه نخست اظهار قلبی افراد در خصوص فعل یا ترک فعل آن است که برخی از فقها معتقدند که اگر چنانچه این مرحله به اظهار نرسد و آشکار نگردد، نمی‌تواند جزو امر به معروف و نهی از منکر به حساب آید. در مرتبه زبانی که با بهره‌گیری از گفتار، امر و نهی صورت می‌گیرد که دارای مراحل همچون گفتاری با رفق و مدارا با روش قول لین، با پند و اندرز همراه با دلیل و برهان صورت پذیرد، و در مرتبه بعد، وضعیت گوینده به صورت تحکم و دستور به خود می‌گیرد، و چنانچه افاقه نکرد، امر می‌تواند با صلابت و شدت از عقوبت کار خطاکار به روش تهدید او را بازستاند. در مرتبه



آخر یعنی قدرت و رفتار، از اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده به وسیله ابزارهای قدرت استفاده می‌شود. همچنین ضروری است که در اجرای این مراتب، ترتیب آن را رعایت کرد. چنانچه برخی از فقها بیان داشتند که در این مراتب باید به درجه پایین و آسان، اکتفا کرد. اگر مؤثر نبود، به درجات بعدی که پایین‌تر و ساده‌تر باشد، عمل شود. (خمینی، بی تا: ۱/ ۴۷۶) این فریضه دارای شرایطی است که اگر برخی از آن احراز نگردد، تکلیف ساقط است. نخستین شرط آن است که آمر علم و آگاهی به احکام واجب و حرام نسبت به اون فعل داشته باشد و اگر به این شناخت نرسید این شرط برای آمر احراز نشده است. شرط دوم احتمال تأثیر گذاری آمر در اوامر و نواهی خویش است و اگر احتمال اثر ندهد بر او این فریضه واجب نیست. شرط سوم گمان و آگاهی آمر در تداوم و اصرار شخص خاطی بر فعل معصیت بار خودش است و چنانچه احتمال دهد که شخص خاطی ترک فعل از آن معصیت را دارد یا احتمال عدم موفقیت در تکرار آن باشد، این فریضه بر آمر واجب نیست. شرط آخر آن است که این فریضه برای آمر باعث آسیب و زیان رساندن جانی و مالی و حتی آبرویی برای او یا نزدیکان و همراهان او گردد، این فریضه بر او واجب نخواهد بود. (سبزواری، ۱۴۲۳: ۱/ ۴۲۴؛ یزدی، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۹۸) از منظر حکمرانی در اسلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند روشی مؤثر برای جرم زدایی و تدابیر پیشگیرانه از وقوع آن باشد به گونه ای که با مشارکت عمومی امت اسلامی در این امر، کنترل اجتماعی و نظارت همگانی به رفتارهای یکدیگر فراهم سازی می‌گردد. چراکه جایگاه امت مسلمان با صرف نظر از هر طبقه و سمت، یک مقام مسئولیت آور است و با ملاحظه با قواعد و ضوابط مشخص، وظیفه شرعی دارند تا افراد دیگر جامعه اسلامی را مورد امر و نهی قرار داده، به آنچه که در احکام شرع و اجتماع اسلامی نیکو است، سفارش و اندرز نماید و از آنچه که از منظر شرع ممنوع بوده و پدیدآور نابهنجاریهای اجتماعی است، باز دارد تا بدین طریق از افرادی که تخطی از قانون می‌کنند را بکاهد. لذا در روش شناسی اجتماعی در اسلام، سرنوشت افراد یک جامعه به یکدیگر پیوند خورده است و تمام امت اسلام نسبت به همدیگر مسئول بوده و در این وظیفه شریک اند (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱). پس اقدام مسئولانه امت اسلامی در مواجهه با فساد، می‌تواند هدف غایی این فریضه که حفظ مصالح جوامع اسلامی است را رقم بزند. (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۱۳/ ۲۴۸) اگر افراد جامعه در هر سطوحی بپندارند که ناظر و دیدگان مراقبتی برای عملکرد او وجود دارد، می‌تواند از عوامل سازنده ای جهت پیشگیری از جرم تلقی شود که در این دوران معاصر با سازوکارهایی از قبیل سوت زنی قابل توجیه است.



این ضرورت های پیش گفته در اصل هشتم قانون اساسی نیز منعکس یافته است. در این اصل ابراز شده «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.» همچنین مطابق ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات، شرکت های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند. بنابراین با رعایت مراتب و ضوابط پیش گفته قاعده امر به معروف و نهی از منکر، بایستگی فعالیت کنشگران سوت زن در عرصه مقابله با فساد حائز اهمیت است و بلکه از باب مقدمه واجب خواهد بود. یعنی اگر چنانچه آمر و نهی کننده تذکر زبانی را موثر در دفع منکر ندانست و افزون آنکه عمل مورد نهی از جمله موضوعات ویژه و دارای ملاک اهم نزد شارع و جامعه اسلامی باشد و کنشگر سوت زن به این آگاهی برسد که در راستای توقف آن ناهنجاری ضروری است که از مرتبه گفتاری به مرتبه قدرت و رفتار تغییر مسیر دهد، این کنشگری نه تنها جواز برای او متصور است بلکه از باب مقدمه نیز بر او واجب خواهد شد.

۲-۱-۲- قاعده مصلحت

مصلحت، یکی از قواعد مؤثر در پویایی فقه است. بی تردید یکی از رازهای جاودانگی شریعت اسلامی، وجود عنصر مصلحت در آن است. یکی از نکات مهم که باید به آن توجه کرد آن است که مصلحت در اندیشه فقهای امامیه، هیچ گونه انفکاک و مرز فاصلی با حقیقت ندارد، بلکه چهره و تجلی حقیقت در شرایط مختلف است. آنچه بین حقیقت و مصلحت، جدایی می افکند نگرش پراگماتیستی بر مصلحت و تفسیر مادی و سردانگانه از آن است. از این رو توجه به مصلحت، به معنای ذبح شریعت در پای مصلحت نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۶۵۰؛ جهانگیری، ۱۳۹۳: ۱۱۳) با این مبنا، مصلحت و حکم حکومتی در پی این نیست که از امور دینی قدسیت زدایی کند و آن را عرفی سازد، بلکه به دنبال قدسی نمودن همه ساحت های زندگی است. نقش و جایگاه مصلحت در استنباط احکام شرعی از دو منظر قابل بررسی است: گاه مجتهد موضوعی را مستقلاً و جدای از آیات و روایات مورد کنکاش قرار می دهد و بر پایه مقاصد شارع مقدس به استکشاف احکام شرعی می پردازد. و گاهی نیز فقیه و مجتهد ابتدائاً به ادله نقلیه اعم از آیات و روایات مراجعه نموده و بر



اساس قواعد اجتهادی و زبان شناختی و مانند آن حکم موضوعی را از آیات و روایات استخراج می نماید. آنگاه می کوشد تا مناط حکم را بدست آورده و بر اساس آن حکم موضوعاتی که در لسان شرع نیامده است را کشف نماید. این گونه استکشاف حکم شرعی را اصطلاحاً تنقیح مناط یا القاء خصوصیت گویند. (صابری، ۱۳۸۸: ۱۹۸؛ علیدوست، ۱۳۹۹: ۴۷۶) مفهوم شناسی و تعریف مصلحت در بیان برخی فقها اذعان شده است: «از آنچه که با مقاصد انسان در امر دنیوی یا اخروی یا هردو سازگار بوده و منتج به تحصیل منفعت یا دفع ضرر باشد.» (حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱/۱) و در بیان دیگری ابراز شده است: «با تقریر و فهم از سخنان فقها و با استناد به روایات مأثوره نمایان است که تمامی احکام مرتبط با معاملات و غیر آن که از سوی شارع برای تأمین مصالح دنیوی و اخروی مسلمانان و مردم تشریع شده است به آن مصلحت و فایده می گویند.» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۴/۲۲) به همین جهت مفهوم مصلحت در واقع خیر و منفعت دنیوی و اخروی و سودمند برای دین و دنیای مسلمین می باشد و با مفاهیمی همچون مصلحت اندیشی و مکاتب فایده نفع گرا متفاوت است و پیوند مصلحت به منفعت در مکتب فقهی امامیه با آنچه در منفعت متعارف در گفتمان سکولار بنا شده است برابر نیست. (صابری، ۱۳۸۸: ۳۱) چراکه مصلحت در فقه امامیه محصور به امور دنیوی نیست و از حیث افق زمانی، عموم منافع دنیوی و اخروی را شامل می شود. براین اساس، مصلحت ناظر بر «منافعی» است که در نسبت با مبانی و اصول فهم می شود و لذا منحصر به «خواسته های دنیوی و عینی افراد» نمی باشد. مصالح عمومی همچون حفظ و ترویج دین، حفظ جان و مال و حیثیت افراد در احکام کلی اسلام بدان پرداخته شده است (نمل، ۱۴۲۰: ۳۸۹) به مثابه سلسله دلایل استکشافی از اصل ضروری رعایت مصالح عمومی محسوب شده است که با اصطیادی بودن این قاعده برای حکم سازی موارد غیر منصوص می توان بهره جست. به ویژه در اعتنا به نظام شایسته زندگی بشری در مدار نظم عمومی که از ویژگی های اصلی زندگی اجتماعی بیان شده و نقیض آن اختلال در این نظام است را می توان با بهره گیری از این قاعده تعالی بخشید. (علیدوست، ۱۳۹۹: ۸۹) بنابراین قاعده مصلحت به معنای حفظ نظام اجتماعی بیشترین قاعده عقلی یا عقلایی است که مبتنی بر حکمت عملی و سیره عقل می باشد. (تولایی، ۱۳۹۱: ۱۲۲) قواعد فقهی که در استنباط مجتهد بعنوان یک مبنا استفاده می گردد غالباً در راستای مصلحت سنجی و در قالب مصالح شخصی و نوعی اندازه گیری و پالایش شده است. لذا عناوین قواعدی همچون لاضرر، لاجرح، اهم و مهم، حفظ نظام و در چارچوب مصلحت از سوی فقیه سنجیده می گردد و نمادی از آن می باشد که در این قالب نمایان شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۹۸: ۳۷۳) در فقه امامیه، مصالح عمومی و فردی، هر دو، در چارچوب قوانین اسلام به رسمیت شناخته شده اند، اما در صورتیکه مصالح فردی با مصالح اجتماعی در تراحم قرار گیرند، مصلحت فردی تحت



الشعاع آن قرار میگیرد و مصلحت اجتماعی مقدم می شود. (علیدوست، ۱۳۹۹: ۵۴۱) آن دسته از احکام ثانویه و حکومتی که بر مبنای اولویت داشتن مصلحت عموم بر مصلحت افراد و گروه هایی خاص، صادر می گردد (تولایی، ۱۳۹۱: ۱۴۸) می تواند الگویی مناسب برای فعالیت کنشگران سوت زن قلمداد گردد که با رعایت ضوابط و اصول مصلحت و با ملاحظه به شرایط خاص اجتماعی حاکم بر جامعه بتوانند در افشای فساد که مصلحت عموم را در خطر انداخته است را نقش آفرین کنند. بنابراین، یکی از ویژگی های ضروری برای مصلحت، که در اینجا اهمیت خاصی دارد، شمول آن نسبت به همه مسلمانان یا دست کم بیشتر آنان است؛ زیرا منابع بیت المال و خزانه دولت اسلامی مال همه مسلمانان است و باید همه از آن منتفع شوند. بنابراین، مصلحتی لازم الرعایه است که شمول حداکثری داشته باشد. این ویژگی در باره تعیین اولویت هم کمک کننده است؛ زیرا مصلحتی که شمول بیشتری دارد در اولویت است. مصلحت اسلام و مسلمین در حکمرانی نظام اسلامی همواره باید مورد توجه حاکمان و مسئولین باشد و در وضع قوانین و اعمال سیاست ها ضروری است در قالب مصلحت سنجیده گردد. از این رو وضع قوانین حمایتی از کنشگران سوت زن باعث می شود که از هدر رفت بیت المال جلوگیری بعمل آید و صلابت نظام و اراده آن در فسادستیزی رشد و تعالی پیدا کند و نتیجتاً اعتماد امت و جامعه به نظام حکمرانی افزون گردد. مستفاد از بند دوم و پنجم اصل ۱۵۶ و اصول ۱۱۳ و ۱۹۰ قانون اساسی همه دستگاه های دولتی و حاکمیتی موظف می باشند که سازوکار جلوگیری از فساد را تعبیه کنند و با توجه به فسادزا بودن سیستم بروکراسی اداری کشور و از طرفی دسیسه چینی مخالفان اسلام و نظام اسلامی جهت خدشه دار کردن اعتماد مردم و اراده دشمنان برای متزلزل ساختن پایه های استقرار نظام اسلامی، ایجاب می کند که به اقتضای قاعده مصلحت، قوانین مدون تشویقی و حمایتی از کنشگران سوت زن ترتیب داده شود و با سیاست گذاری های کارآمد در راستای فرهنگ سازی اصولی پدیده سوت زنی، با وضع قوانین متناسب بتوان از لطمات جبران ناپذیر بر پیکره جامعه اسلامی جلوگیری کرد.

۲-۱-۳- قاعده احترام مال مردم

از قواعد فقهی که مستند آن روایات و بنای عقلا می باشد، قاعده احترام مال مردم است. احترام مال مسلمان از حقیقت ملکیت و تسلط انسان بر آن و به عبارت دیگر از عمق و ریشه مالکیت سرچشمه می گیرد. (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۴۱/۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۰۸/۱؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۸/۱۵) و این ملکیت مورد امضای شارع و عقلای عالم واقع شده است؛ بنابراین کسی حق تصرف در آن را ندارد مگر به اذن مالک، و اگر تصرف کرد و موجب زیان و ضرر شد ضامن مال تلف شده خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۶/۲؛ خمینی، بی تا: ۱۶۹/۲)



مفاد قاعده آن است که مال مسلمان مانند جانیش محترم است و تحریم اتلاف مال غیر و ضامن بودن تلف کننده مال غیر مشهود است. این قاعده برگرفته شده از حدیث نبوی است که حضرت رسول (ص) فرمودند: «حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۰/۲) یعنی احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست و همانگونه که خون مؤمن هدر نمی‌رود، اموال وی نیز محترم است و هدر پذیر نیست. لذا یکی از حقوق انسانی، حق مالکیت است که به موجب آن شخص می‌تواند در مال خود هرگونه تصرفی داشته باشد و تصرف دیگری مشروط به إذن صاحب آن مال است. (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸: ۴۷۵/۱۳؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۵۵۹) مفاد قاعده احترام این است که اگر شخصی در اموال دیگری بدون اذن مالک و یا مجوز شرعی تصرف کند، این تصرف مشمول حکم تکلیفی حرمت و ضمانت تلف کننده بعنوان حکم وضعی قرار می‌گیرد. چنانچه شیخ یوسف بحرانی ابراز می‌دارد: «اصل، حرمت مال مسلمان و حفظ آن از تصرف غیر است مگر این که تصرف به وجه شرعی باشد.» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۳۱/۲۱) ضروری است که بین قاعده «سلطنت» و «احترام مال مسلم» با توجه به ادله وارده و مترتب بر این دو قاعده جدا دانسته شود و نباید آن دو را یکی قلمداد کرد. چنانچه امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرمایند: از شئون قاعده سلطنت این است که مالک بتواند هرگونه که می‌خواهد در مال تصرف کند که شارع آن را با عبارت مشهور نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» بیان نموده و عقلاء هم آن را پذیرفته‌اند. اما مفاد قاعده احترام این است که مال در حریم مالک واقع شده به گونه‌ای که کسی بدون اجازه نمی‌تواند در مال وی تصرف نماید و اگر تصرف کرد و آن را اتلاف نمود، ضامن عوض آن می‌باشد. (خمینی، ۱۳۸۲: ۱۲۴/۳-۱۲۵) همچنین از منظر قانون اساسی، این قاعده فقهی پذیرفته شده و در اصول ۴۶ و ۴۷ بدان اشاره گردیده است. باتوجه به مفاد این قاعده فقهی تنها راه محترم شمردن ثروت عمومی صرف آن در جهت خدمت رسانی به صاحبان آنان است درحالی که فساد اداری و مصرف نامشروع آن برای قشر خاص نمی‌تواند مصداق صریح درجهت عدم مصونیت بیت المال قلمداد شود. اتلاف و مصرف بی حد و حصر بودجه اداری بدون داشتن خدمت رسانی صحیح به مردم که ناشی از کهنگی فساد در داخل سازمان های اداری است و از همه مهمتر پنهان و مسکوت بودن این نقاط ضعف قوانین اداری و جریان داشتن همین رویه با تغییر مقامات اداری نمونه کاملاً آشکار از نامحترم شمردن اموال عمومی است. وجود قوانینی که بتواند اموال عمومی را مصون بدارد و از طرفی بتواند سازوکاری تعبیه شود تا هشدارهای لازم در جهت هدر رفت بیت المال را ابراز کند، ناگزیر به حمایت از کنشگران سوت زن خواهیم رسید که با توجه به این قاعده فقهی بتوان وجوب وضع قوانین حمایتی و تشویقی از سوت زنان را تدوین و به مرحله اجرا رساند. بی تردید کنشگری سوت زنان در افشای فساد و تضییع اموال عمومی می‌تواند زمینه بازگشت بخش اعظمی از اموال عمومی را که خود



وجهی از محترم دانستن اموال مردمی است با کمترین هزینه به بیت المال فراهم سازد. مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. همچنین با انطباق به ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی اذعان داشته است: در اجرای ماده ۳ این قانون هر یک از وزارتخانه‌ها، سازمانها و شرکتها و دستگاههای دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها موظفند سوابق همه وزراء، معاونان، مدیران کل وزارتخانه و استان، ذی‌حسابی‌ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، روسا و مدیریتهای و سرپرستان سازمانها و شرکتها و حسب مورد پرونده‌های طرفین قراردادهای و مقاطعه‌کاریها و سوء استفاده‌ها و تبانی‌های غیر قانونی و افراد و عوامل حیف و میل بیت المال را بررسی و هر گاه به موارد مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی برخورد نمودند به صورت شکایت، دادخواست و یا گزارش در محاکم قضایی صالحه طرح نمایند.

۲-۲- مبانی سلبی سوت زنی

۲-۲-۱- قاعده حرمت اشاعه فحشاء

اشاعه فحشاء به وسیله گفتار یا رفتار که باعث نشر و ترویج زشتی شود، از جمله گناهان کبیره بوده که در قرآن کریم، نسبت به این کار نکوهش شده و دوستداران یا منتشر کنندگان آن را به عذاب دردناک در دنیا و آخرت وعده داده شده است. (نور، ۱۹) در منابع روایی نیز نسبت به کسانی که اهتمام به اشاعه فحشا دارند به مثابه خروج از ولایت الهی و داخل شدن در ولایت شیطان بوده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۸/۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۸۴) و نزدیکترین مرز به کفر قلمداد شده و حتی بنابر سخن از پیامبر (ص) چنانچه در میان مردم فحشایی پدید آید و آشکار و رواج یابد، در میان آنان بیماری‌هایی مانند طاعون به وجود آمده که سابقه‌ای در قبل از آن نداشته است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۹۶/۲۳)

از جمله مصادیق اشاعه فحشا می‌توان به مواردی همچون دامن زدن به غیبت، افتراء، دروغ، خدشه دار کردن حرمت مومن، افشای اسرار مومنین و بازگو کردن آن ختم گردد و گاهی نیز مراکزی که موجب فساد و نشر فحشاء است تشکیل شود و یا آنکه وسائل معصیت در اختیار دیگران گذاشته و یا آنان را به مراتب گناه و مصادیق مذکور، تشویق کند. در نتیجه پرده حیا دریده شود و در انتظار



عموم و ملأ عام چنین اعمالی صورت بگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۰۷/۱۴) برخی نسبت به عمل کنشگران سوت زن به لحاظ وارد شدن به وادی اشاعه فحشاء آن را مصداق این گناه دانسته که در مشروعیت زدایی فعالیت کنشگران قلمداد گردد. در مواردی که نهی از منکر منوط به غیبت است، غیبت کردن به قصد بازداشتن از منکر جایز خواهد بود. بنابراین، از جمله استثنائات غیبت می‌توان بدگویی علیه فاسدان به قصد نهی از منکر را ذکر کرد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۴۲/۱ و ۳۵۳؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ۴۳۶/۱) در صورتیکه این امر منجر به جلوگیری از فساد شود، نه تنها جایز بلکه واجب است. بنابراین به فرمایش فقها اگر نهی از منکر متوقف بر گزارشگری فساد یا افشاگری فساد یا اعلام عمومی آن شود، می‌توان چنین کرد تا جلوی فساد گرفته شود. همچنین رفتار کارگزار حکومت یا دولت چنانچه موجب تضییع بیت المال مسلمانان یا موجب وهن دین و اختلال در نظام باشد که باعث آسیب و صدمه جبران ناپذیر به نظام اسلامی و فرهنگ آن گردد، بی تردید از مصادیق ظلم و فساد بوده و برای فاعل آن حرمتی مترتب نیست و حفظ آبروی او نیز معنایی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) در واقع رفتار کنشگران سوت زن نسبت به یک فساد با هدف برچیده شدن آن باشد و با قصد برانگیختگی قلوب مردم و تذکر و قصد نهی از منکر و قیام در برابر منکر باشد، جزو مصادیق اشاعه فحشا نیز قلمداد نمی‌گردد. جرائم فساد و فحشا در قانون مجازات مشخصی دارند و گاهی شدیدترین مجازات برای مجرم در نظر گرفته می‌شود. اما نکته مهم این است که، تنها ارتکاب فساد و فحشا جرم نبوده و در صورتی که فردی مردم را تشویق به ارتکاب این نوع جرائم نماید نیز، به عنوان مجرم شناخته می‌شود. جرم اشاعه فساد و فحشا در واقع ترغیب و تشویق مردم به ارتکاب فساد و فحشا می‌باشد.

مطابق ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی افراد ذیل به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف: کسی که مرکز فساد و یا فحشاء را دایر یا اداره کند.

ب: کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

با توجه به این که در ماده ۶۳۹ بین فساد و فحشاء حرف اضافه «و یا» فاصل شده است، باید آن دو را در این جرم متفاوت دانست. بنابر این فساد مفهومی جدای از فحشاء دارد.

همچنین ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، اقدام به جرم انگاری عمل افتر نسبت به دیگران نموده است. در این ماده مقرر شده است: هر کس، به وسیله اوراق چاپی یا خطی، یا به



وسیله درج در روزنامه و جراید، یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی، امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر، جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به جزای نقدی درجه شش، محکوم خواهد شد. در تبصره آن ماده قانونی ابراز گردید: در مواردی که نشر آن امر، اشاعه فحشا محسوب گردد، هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور، محکوم خواهد شد. البته این جرم و مجازات هم اکنون مطابق بند ج ماده یک قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به جزای نقدی درجه شش تبدیل و تقلیل یافته است و مطابق ماده ۱۱ قانون مذکور از جرائم قابل گذشت محسوب و با گذشت شاکی متوقف خواهد شد. بر اساس ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، برای تحقق جرم تهمت شرایطی لازم است که عبارتند از: جرمی را بصورت صریح و واضح به دیگری نسبت دهد. آن جرم امر پوچ و واهی باشد، یعنی ساخته تخیلات ذهن شاکی باشد. ثانیاً با انگیزه ضرر زدن و هتک حیثیت آن جرم را به غیر نسبت دهد. ثالثاً نسبت دهنده نتواند درستی موضوعی را که به دیگری نسبت داده، در مرجع قضایی صلاحیت دار به اثبات برساند. براساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء آکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. همچنین به موجب ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه ای اگر کسی با قصد ضرر زدن به دیگری یا تشویش ذهن عموم از طریق رایانه یا سامانه های مخابراتی برخلاف حقیقت، اعمالی را به صورت صریح یا ضمنی به دیگری نسبت دهد صرف نظر از اینکه ضرر مادی یا معنوی به شخص وارد شود این عمل جرم و دارای مجازات حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو خواهد بود. آنچه که در این ماده بیان شده این است که نسبت دادن هرگونه عملی به صورت مطلق صرف نظر از اینکه عنوان مجرمانه داشته باشد یا خیر به شرط اینکه برخلاف حقیقت باشد جرم و دارای مجازات است. مطابق ماده ۶ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می شود. در طرح یک فوریتی حمایت مالی از افشاگران فساد در مجلس شورای اسلامی که با کلیات این طرح در تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ در



کمیسیون مربوطه موافقت کردند. در ماده ۱۴ این طرح آمده است: چنانچه گزارشگر برای گزارشگری مرتکب جرم شده باشد از جمله آنکه اطلاعات، ادله و مدارک را با توسل به اعمال مجرمانه به دست آورده باشد، مشمول حمایت‌ها و پاداش این قانون نمی‌شود. بر اساس ماده ۱۵ طرح مذکور در صورتی که گزارشگر، گزارش و اسناد مربوط به آن را تنها در سامانه ثبت و بارگذاری کرده و آن را علنی نکرده باشد، به اتهام افتراء یا جرم موضوع ماده (۶۹۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی یا افشای اسناد مجرمانه قابل تعقیب نیست.

۳- جایگاه حقوقی کنشگران سوت زن در کشور ایسلند

ایسلند کشوری در حوزه قلمرویی اسکاندیناوی از مناطق جغرافیایی با جزئیات خاص تاریخی و فرهنگی در شمال اروپا است. حاکمیت قانون در این کشور پایدار است و تحمل فساد از سوی حاکمیت و مردم بسیار اندک است. سیاست گذاری تقنینی این کشور به جهت ریل گذاری دقیق و حمایت های قانونی و گسترده از کنشگران سوت زن را باید بهشت سوت زنان دانست. حفاظت گسترده قانونی از کنشگران در برابر هرگونه اقدامات انتقام جویانه با تدوین قوانین به روز با چهارچوب های تنظیم گرایانه رفتار کنشگران باعث گردیده، موقعیت کشور ایسلند در بحث سوت زنی به پیشرفت های مهمی برسد و حتی سوت زنان سرشناسی نظیر "ادوارد اسنودن" اعلام کرده بودند که ایسلند را مقصد مطلوب خود جهت اسکان و ارائه درخواست پناهندگی می دانند (Theguardian, 2013). همچنین در پی افشای فرار مالیاتی نخست وزیر وقت ایسلند بنام سیگموندور دیوید گونلاگسون، که این گزارش سوت زنی مشتبه به فساد اسناد پاناما شده است، با حمایت مردمی از کنشگران افشاگر، باعث شد که نخست وزیر وقت استعفا و از دولت کناره گیری کند. (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۵) بعد از پیش نویس طرح و لایحه قانون سوت زنی توسط دفتر نخست وزیری ایسلند و بررسی از زوایای مختلف منتهی به تصویب اولین "قانون جامع سوت زنی" در سال ۲۰۲۰ توسط پارلمان ایسلند شد. (Andie Sophia Fontaine, 2020) این قانون به صراحت نقش سوت زنان در کشف و تصفیه جامعه از فساد را به رسمیت می شناخت. قانون جامع سوت زنی در ایسلند، تا حد زیادی مجرمانه بودن هویت سوت زنان را تضمین کرده تا از این طریق بتواند جلوی هرگونه اقدام تلافی جویانه را علیه سوت زنان بگیرد. این قانون همچنین، کلیه کارکنان بخش خصوصی و دولتی را شامل می شود و رویه های خاصی را تعریف کرده تا سوت زنان بتوانند به راحتی به نهادهای مبارزه با فساد در ایسلند وصل شوند و نیازی نباشد تا سوت زنی خود را در داخل نهادی که در آن کار می کنند (و با تکیه بر سازوکار های این نهادها) انجام دهند. این قانون



همچنین حمایت های گسترده ای را برای سوت زنان در برابر کارفرمایان و یا افرادی که آن ها بر علیه شان سوت زنی می کنند در نظر گرفته که بر اساس آن، هیچ کارفرمایی حق ندارد حقوق کارمند سوت زن خود را کم کند و یا با او به نحو انتقام جویانه ای رفتار کند. این قانون از کارمندانی در بخش دولتی و خصوصی که با حسن نیت اطلاعاتی را در مورد نقض قانون یا سایر رفتارهای قابل توجه کارفرمای خود ارائه کرده یا داده ها را منتشر می کنند از آنان محافظت می کند. طبق این قانون، انتشار اطلاعات یا داده ها، با رعایت شرایط قانون، نقض وظیفه کارمند رازداری یا رازداری حرفه ای محسوب نمی شود. علاوه بر این، کارمند را مشمول مجازات یا مسئول خسارت نمی کند و نمی تواند منجر به مجازات های اداری یا کاهش حقوق کارمند شود. این قانون بین افشاگری در سازمان و علنی در خارج از سازمان تمایز قائل می شود و فرض می کند که افشای عمومی معمولاً مجاز نیست مگر اینکه کارمند ابتدا موضوع را در شرکت آشکار کرده باشد و این پرونده شامل تخلفی باشد که حبس را تضمین می کند یا منافع عمومی جامعه را در خطر می اندازد. (Frumvarp til laga um vernd uppljóstrara. Frá forsætisráðherra, 2020)

البته قابل ذکر است که پیشینه حفاظت از کنشگران سوت زن در ایسلند به ماجرای رسانه مدرن ایسلند بر می گردد که با پیشنهاد پارلمان آن کشور در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید. (stjórnarfrumvarp, mennta- og menningarmálaráðherra, 2010)

تقویت رویه ها و قانون های مرتبط با سوت زنی در ایسلند، تا حد زیادی به وقوع بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ جهان ارتباط دارد. در آن سال، دولت ایسلند متهم به سومدیریت و عملکرد اقتصادی شد و رویه به شدت سخت گیرانه و شفافیت زایی را در زمینه مبارزه با فساد و تقویت سوت زنی برقرار ساخت. در این راستا، با توجه به نقش بارز و مهم روزنامه نگاران و فعالان رسانه در افشای فسادها، ایسلند قانونی را به نام "تضمین امنیت برای روزنامه نگاران و خبرنگاران" ^۱ به تصویب رساند که در نوع خود، مترقی ترین قانون در جهان جهت حمایت از این قشر به حساب می آمد. این قانون، حمایت های گسترده ای را از افشاگران و سوت زنان فراهم می کرد و تا جای ممکن، انجام سانسور را محدود می کرد. با این همه، اعطای لقب بهشت سوت زنی به ایسلند، صرفاً و عمدتاً به دلیل شرایط بسیار خوب حمایتی است که این کشور برای سوت زنان فراهم می سازد. با این حال، ایسلند در قوانین خود، در بحث اعطای جایزه و پاداش به سوت زنان، هنوز ضعیف است و بسیاری بر این باورند که این کشور بایستی به این بُعد از پدیده سوت زنی نیز توجه گسترده ای را مبذول دارد. (گروه اقتصادی الف، ۱۳۹۹).

¹ Journalism Haven



قوانین جامع سوت زنی در ایسلند بر چند شاخص مهم پایه گذاری شده است. نخست حفاظت از کارکنان و کنشگران سوت زن است. مهم ترین قاعده ای که در این بخش متذکر شده اند، اصل حسن نیت فرد کنشگر است چراکه مانند برخی از قوانین مانند فرانسه در این زمینه اگر حسن نیت برای کنشگر ابراز نشود، دیگر پاداشی برای او مترتب نیست. دومین شاخص در این قانون، شرایط حاکم بر کنشگری و روش سوت زنی است. یعنی در وهله نخست باید کنشگر افشای خود را از کانال های داخلی به اتمام برساند و سپس به مرحله افشای عمومی برسد. این رویکرد همانند رویکرد کشور کانادا است که بر اساس اصل «تردبان بالا» ابتدا اطلاعات مربوط به تخلفات را با مکانیسم های داخلی افشا کند و سپس در صورت نتیجه نگرفتن از این کنشگری و افشای تخلفات به انتظار عموم برساند و همگان را مطلع سازد. همچنین دلیل اقناعی برای افشای عمومی نزد کنشگر باید بر اساس منفعت عمومی جامعه و سود رساندن جمعی و دفع ضرر از جامعه باشد (اعم از بحث امنیت ملی، سلامت جمعی، امنیت اقتصادی و محیط زیست). همچنین کنشگر براساس اقتناع وجدانی و بر مبنای عدالت به این باور برسد که فساد فرد متخلف دارای عنوان کیفری و مجازات است. سومین شاخص که مرتبط به دریافت کنندگانی است که گزارشات کنشگر به آنان وصول می رسد و بایستی زمان و موعد مقرری از طرف آنان مشخص شود تا کنشگر به این اطمینان برسد که از سوی سازمان متبوعه در حال پیگیری است. شاخص آخر نیز مرتبط به تدوین مقررات داخلی سازمانی است که باید بروکراسی هر اداره یا سازمان یا شرکت های عمومی و خصوصی مدون و راه های گزارش دهی به افراد کنشگر شفاف باشد. (Frumvarp til laga um (vernd uppljóstrara. Frá forsætisráðherra, 2020



نتیجه گیری

یکی از راه های کشف فساد در کشورهای پیشرو در زمینه مبارزه با فساد، حمایت از افشا کنندگان فساد است و همکاری همه جانبه افشا گر با پلیس، نهادهای نظارتی و قضات برای کشف فساد، امتیازی است که به فرد داده می شود. کنشگری سوت زن در عرصه مبارزه با مفاسد اداری مفهومی معاصر است و وجه تسمیه آن به پلیس انگلستان برمی گردد که وقتی جرمی در مکانی رخ می داد، این پلیس ها به وسیله سوت زنی نیروهای دیگر و مردم را به محل حادثه فرامی خواندند تا همگان از محل جرم باخبر شوند. وقتی صحبت از حمایت کنشگران سوت زن می شود، نهادها و دستگاه های مختلف می توانند با ایفای نقش خاص خود در به ثمر نشستن مبارزه با فساد سهیم باشند. بین کنشگری در عرصه سوت زنی و تقلیل فساد و اقدام پیشگیرانه از آن یک ارتباط ناگسسته و بهم پیوسته ای وجود دارد که با قانون گذاری صحیح و جامع الاطراف و تبیین مبانی فقهی بعنوان یک مدل تنظیم گرایانه برای کنشگران، می توان نتایج مطلوبی را از آن اخذ کرد. هرچند برخی از کشورها مانند ایسلند قوانین و مقررات جامع سوت زنی را مصوب کرده اند اما با همگرایی و هم اندیشی نخبگان می شود نواقص این قوانین مدون را برطرف ساخت و آن را تعالی بخشید. با این همه، تاکنون در نظام حقوقی ما قانون جامع سوت زنی تصویب نشده است و کشف و پیشگیری از فساد در قوانین پراکنده صورت گرفته اما در سالیان اخیر با دستورالعمل وزارت اقتصاد و دارایی کشور، حمایت از گزارشگری فساد صادر شده و از طرفی به طور محدود و پراکنده برخی از وزارتخانه ها و سازمان ها سایت های اینترنتی را جهت گزارش فساد تعبیه کرده اند که می تواند سرآغاز خوبی در جهت فرهنگ سازی کنشگری سوت زنی تلقی شود. همچنین کلیات طرح حمایت مالی افشاگران فساد در جلسه ۲۱ اسفند ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در روند بررسی طرح حمایت مالی از افشاگران فساد، محورهای مهمی از جمله شرایط مشمولیت گزارشگران فساد برای دریافت پاداش، شروط مجلس برای پرداخت پاداش به گزارشگران فساد، امکان ناشناس بودن گزارشگران و حفظ محرمانگی هویت آنان و نیز سازوکار و میزان پاداش مالی گزارشگران فساد را تعیین و تصویب کردند. قابل ذکر است که عدم وجود نهادهای حمایت کننده از کنشگران سوت زن و از همه مهمتر عدم وجود تعریفی قانونی و شفاف از عمل سوت زنی در کشور، فضای نامناسبی را در بین سازمانهای ایرانی بوجود آورده است که متأسفانه سوت زنی بیش از پیش متروک واقع گردیده و این فضا باعث تشدید حمله های بی امان و سازمان یافته به نهادها و افرادی که مبادرت به سوت زنی مینمایند خواهد شد.



با بهره گیری از تجربیات کشورهای موفق و صاحب دانش در این خصوص و همچنین الگوبرداری از آنها به جهت تشکیل اصناف و تشکل های حامی کنشگران سوت زن، اقدامات موثری را به منظور بستر سازی فرهنگی و قانونی برای سوت زنی در کشور به انجام رساند. به نظر میرسد روی آوردن به تمرکزمحوری و تشکیل نهادی مستقل از اصناف و سازمانهای دولتی و غیر دولتی ولی تحت نظارت مستقیم قوه قضائیه، می-تواند راهکاری قابل اجرا در جهت بخشیدن وجهه ای قانونی به عمل سوت زنی در کشور باشد. عزم کنشگران سوت زن چنانچه مبتنی بر مبانی فقهی پیش گفته نباشد و بدون مشورت و آگاهی های لازم اعم از خطی مشی و رویه های قضایی و مفاد قانونی مبادرت به افشاگری بزند ممکن است با نتایج گمراه کننده و سوء تفاهم همراه شود. بر این اساس، اگر در دستگاههای اجرایی و مدیریتی مقامات مادون نسبت به فساد یا زمینه آن در مقامات مافوق مطلع شوند و آن را گزارش ندهند هم مرتکب حرام شرعی شده‌اند هم بدلیل ترک گزارشگری، مشارکت در جرم به حساب می‌آید و چون در سایه عدم گزارش آنها ضرر و زیان به بیت المال و نظام اسلامی و حقوق عمومی وارد شده، هم شرعا ضامن هستند و هم از لحاظ حقوقی باید پاسخگو باشند. بنابراین ضروری است با تمهیدات لازم و پشتوانه قانونی، بسترهایی مانند سامانه‌های گزارش دهی و ایجاد فرهنگ پیشگیری از وقوع فساد در جامعه نهادینه شود زیرا مهم تر از فساد، ریشه کن کردن فساد است. برای تحقق پیشگیری از وقوع فساد، همکاری و تعاون دولت و ملت یک امر اقتضایی می باشد. با تعبیه سازوکار استفاده از ظرفیت مردمی در کشف مفسد از جمله ایجاد امکان طرح دعوی حقوقی توسط مردم به نمایندگی از حاکمیت، فراهم آوردن امکان ناشناس ماندن گزارش دهندگان فساد، حمایت از گزارش دهندگان در برابر اقدامات تلافی جویانه، جریمه دو تا سه برابری متخلفین نسبت به مبلغ تخلف همراه با بازپس گیری اصل خسارت و در نظر گرفتن درصدی از آن (برای مثال ۲۵ تا ۳۵ درصد) به عنوان پاداش برای گزارش دهنده، ایجاد امکان فعالیت مؤسسات حقوقی به عنوان نماینده کنشگران سوت زن در فرآیند پیگیری اثبات جرائم و فراهم کردن امکان گزارش دهی توسط اشخاصی که خود نیز در فساد نقش داشته‌اند، این امر مهم می تواند به سرانجام مطلوب رسیده و نقش بسزایی در حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی را ایفا نماید.



منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، قم: نشر گنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول.
- ۳- بجنوردی، سید حسن، (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیة، قم: نشر الیهادی، چاپ اول.
- ۴- بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضرة فی الاحکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۵- بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعه، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- ۶- تولایی، علی، (۱۳۹۱)، نگرشی تاریخی بر جایگاه مصلحت در فقه امامیه، قم: نشر موسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۷- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، (۱۴۲۶)، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ۸- جوان آراسته، حسین، (۱۳۹۲)، اصل هشتم قانون اساسی (بایسته‌های فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر)، تهران: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ۹- جهانگیری، یحیی، (۱۳۹۳)، مصلحت در فقه (مبانی، رهیافت‌ها، کارکردها)، قم: انتشارات رسول اعظم، چاپ اول.
- ۱۰- حائری طباطبائی، سید علی بن محمد، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام، قم: نشر موسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۱۱- حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲) فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد، قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.



- ۱۲- حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۳)، الاجتهاد و التقليد (معارج الأصول)، در یک جلد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- ۱۳- خبرگزاری ایلنا، نخست‌وزیر ایسلند در پی افشاگری‌های «اسناد پاناما» استعفا کرد؛ <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-359138> ۱۳۹۵/۰۱/۱۷ تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴.
- ۱۴- خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۲)، تهذیب الاصول، قم: نشر دارالفکر، چاپ اول.
- ۱۵- خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- ۱۶- سبزواری، محمد باقر، (۱۴۲۳)، کفایة الأحکام، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
- ۱۷- صابری، حسین، (۱۳۸۸)، فقه و مصالح عرفی، قم: نشر موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
- ۱۸- طبرسی، علی بن حسین، (۱۳۸۵)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: نشر المكتبة الحیدریه، چاپ: دوم.
- ۱۹- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان) - تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۲۰- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۹)، منیه المرید قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ۱۰ جلد، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
- ۲۲- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۹)، فقه و مصلحت، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم.
- ۲۳- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۸)، قواعد فقه: بخش حقوق عمومی، جلد سوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- ۲۴- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، (۱۴۲۲)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.



- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۲۶- گروه اقتصادی الف، (۱۳۹۹)، بهشت سوت زنی در کجاست؟، ۱۳۹۹/۰۵/۲۹ <https://www.alef.ir/news/3990522091.html?show=text> تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر؛ جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۰) تفسیر نمونه، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیة، چاپ سی و دوم.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۴)، زندگی در پرتو اخلاق، قم: انتشارات سرور، چاپ نهم.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول.
- ۳۰- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- ۳۱- نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- ۳۲- نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۳۳- نمله، عبدالکریم، (۱۴۲۰)، الجامع لمسائل أصول الفقه و تطبیقاتها علی المذهب الراجح. ریاض: مکتبة الرشد ناشرون.
- ۳۴- یزدی، محمد، (۱۴۱۵)، فقه القرآن، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.

35- Andie Sophia Fontaine(2020), Iceland's Parliament Approves Law Protecting Whistleblowers, from: <https://grapevine.is/news/2020/05/13/icelands-parliament-approves-law-protecting-whistleblowers/>

36- stjórnarfrumvarp, forsætisráðherra, Katrín Jakobsdóttir 431, 150. löggjafarþing 2019–2020.from: <https://www.althingi.is/altext/150/s/0431.html>

37- stjórnarfrumvarp, mennta- og menningarmálaráðherra, Katrín Jakobsdóttir 740 stjórnarfrumvarp, mennta- og menningarmálaráðherra, Katrín Jakobsdóttir



- 38- Zakaria M. (2015). Antecedent factors of whistleblowing in organizations. *Procedia Economics and Finance*; 28(2): 230 -234.
- 39- Stubben, Stephen & Welch, Kyle. (2018). Evidence on the Use and Efficacy of Internal Whistleblowing Systems. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.3273589.
- 40- Elli Binikos.(2017). "Soundsof silence «Organisational trust and decisionsto blow the whistle". *SA Journal of Industrial Psychology* . Vol. 34 No. 3 pp. 48 – 59.
- 41- Chevarría, F.; Silvestre, M. 2013. Sistemas de denuncias y de protección de denunciantes de corrupción en América Latina y Europa [Whistle-blowing and systems for the protection of whistle-blowers in Latin America and Europe] (Madrid, Programa EUROsociAL).
- 42- Chalouat, Iheb. & Carrion-Crespo, Carlos. & Licata, Margherita., 2019.
- 43- "Law and practices on protecting whistle-blowers in the public and financial services sectors",
- 44- ILO Working Papers 995041591802676, International Labour Organization.
- 45- <https://ideas.repec.org/p/ilo/ilowps/995041591802676.html>
- 46- The Free Dictionary [Internet]. "blow the whistle". McGraw-Hill Dictionary of American Idioms and Phrasal Verbs, The McGraw-Hill Companies, Inc., 2002 [cited 1 Aug. 2023]. Available from: <https://idioms.thefreedictionary.com/blow+the+whistle>
- 47- PETERSEN, J.C. & FARRELL, D. 1986. Whistle blowing: Ethical and legal issues in expressing dissent. Dubuque, Iowa : Kendall-Hunt
- 48- LOUW, M. 2002. Ethics in the workplace: Moving to higher ground. (In Verwey, S. & Du Plooy-Cilliers, F.Strategic organizational communication: Paradigms and paradoxes. Sandown : Heinemann Publishers).
- 49- Near, J.P.; Miceli, M.P. 1985. "Organisational dissidence: The case of whistle-blowing", in *Journal of Business Ethics*, Vol. 4, No. 1, 1-16
- 50- Daniel R. Clark, Embracing whistleblowing for enhanced firm self-regulation, *Business Horizons*, 2023, ISSN 0007-6813, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0007681323000538>(



- 51- Henik, E. G. (2008). "Mad as Hell or Scared Stiff? The Effects of Value Conflict and Emotions on Potential WhistleBlowers, Dissertation of Doctor of Philosophy", University of California, Berkeley.
- 52- Miceli, M.P. & Near, J.P. (2008). "Wrongdoing, whistle-blowing, and retaliation in the U.S. government, what have researchers learned from the merit systems protection board (MSPB) survey results? Review of Public Personnel Administration", 28(3), 263-281.
- 53- Lavena, C. F. (2013). "Deciding to Blow the Whistle: How Individual and Organizational Factors Influence the Reporting of Wrongdoing in the Federal Government". Dissertation of Doctor of Philosophy, Newark, The State University of New Jersey.
- 54- Daniel R. Clark, Embracing whistleblowing for enhanced firm self-regulation, Business Horizons, 2023, ISSN 0007-6813, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0007681323000538>
- 55- Read, W.J. & Rama, D.V. (2003). "Whistle-blowing to internal auditors", Managerial Auditing Journal, 18(5), 354-362. Schnackenberg, A. K. & Tomlinson, E. C. (2014). "Organizational Transparency: A New Perspective on Managing Trust in Organization - Stakeholder Relationships", Journal of Management, 40 (1), 1-27
- 56- Hamilton, A. (2002). "Whistleblowing: A New Perspective on an Old Issue", New Jersey
- 57- Huang, X., Zhao, B. (2021). A Permanent Virtual Memorial for a Whistleblower of the COVID-19 Pandemic: A Case Study of Crypto Place on the Blockchain. In: Shaw, S.L., Sui, D. (eds) Mapping COVID-19 in Space and Time. Human Dynamics in Smart Cities. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-72808-3_
- 58- The Guardian (2013)
<https://www.theguardian.com/world/2013/jun/09/edward-snowden-nsa-whistleblower-surveillance>



Explaining the jurisprudential and legal foundations of whistleblower activists; Comparative comparison with the laws of Iceland

Rouhollah Ahangaran¹ / Reza Daneshnia²

Abstract

One of the solutions to prevent corruption in the organization and preventive measures of administrative corruption is whistle-blowing; But whistle-blower activists are always faced with pressures and threats, and organizational and legal support for them is necessary. Our goal in this article is to investigate and explain the jurisprudential and legal foundations of whistle-blower activists with a comparison to the laws of Iceland. The research method of this article is analytical-descriptive. The results showed that disclosure in the form of whistleblower activism is a necessary and universal duty; Even based on positive jurisprudential principles such as the rules of enjoining what is good and forbidding what is evil, expediency, respect for people's property, and negative principles such as the rule of sanctity of the spread of prostitution from a jurisprudential point of view and in accordance with the laws of Iran, it can legitimize this work and play a role in regulation. To have a bias in the field of women's whistle activism. Despite all the necessities expressed in the principle of activism and their support, the method of this activism is not limitless and necessary, especially in the category of desecration of believers and issues related to economic and financial corruptions, which have a general and macro aspect. Its principles should also be observed, otherwise the activist, while being infected with sin, may cause greater corruption such as disrupting the system and trampling on more important interests. Also, according to the laws of the country of Iceland, the activists must disclose within the organization in the first stage, and then with conditions such as lack of results and public benefit, and based on the principle of good faith, they can start external disclosure in the extra-organizational model through mass media and virtual space.

keywords: Activists, whistleblowers, detection of corruption, public oversight, Iceland.

¹ Doctoral student of jurisprudence and fundamentals of law, faculty of literature and humanities, Islamic Azad University, central Tehran branch. (Corresponding Author)
r.ahangaran@chmail.ir

² Basic lawyer of a justice, senior expert in criminal law and criminology.
daneshnia1400@chmail.ir

